

مواد 1335، 1324، 1321، و ... از قانون مدنی در ارتباط با علم قاضی و اعتبار آن نیز، قابل استناد است. مثلاً متن ماده 1321، این است:

«اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود.»

البته اطلاق این ماده، باید مقید شود و الا ممکن است قاضی، اوضاع و احوالی را دلیل بر امری بداند که نوعاً دلیل و موجب علم به شمار نمی رود.

حاصل آن چه از مواد قانون گذشت

آن چه گذشت، سه مساله ای را که ما به دنبال گفتگو از آن هستیم، پاسخ داد؛ بدین ترتیب:

1. علم قاضی برای اثبات جرم و دعوای حقوقی معتبر است.
2. علم قاضی به نفی، مقدم بر سایر امارات دال بر اثبات است.
3. عکس صورت قبل.

همچنین گفته شد: علم، باید حاصل از مستندات بین باشد نه امور غیر متعارف. لکن وضعیت اطمینان، همچنان در هاله ای از ابهام است؛ مگر این که - چنان که گفته شده¹ - «علم» را در بیان قانون گذار، حمل بر اعم از قطع منطقی و عقلی و علم عرفی کنیم، رفتاری که ما آن را صحیح نمی دانیم.

در ادامه آرای فقها را در این باره خواهیم داشت.

موقعیت قضایی اطمینان و علم در آرای فقیهان

اطمینان

نهاد اطمینان علیرغم حضور و کاربرد گسترده ای که در علوم و محاورات دارد - حداقل - در فقه، اصول و حقوق بحث کافی از آن صورت نگرفته است، هر چند در دهه های اخیر، در اطراف آن مباحثی صورت گرفته است.²

به هر حال گفتگوهای متعددی در اطراف این نهاد مطرح است از جمله:

1. مفهوم شناسی آن و بیان نسبت اطمینان با مثل علم عرفی و وثوق.
 2. موقعیت شرعی و فقهی اطمینان/ آیا اصل حجیت آن است یا عدم؟
- اصولاً این موضوع، موضوعی تعلیمی است که در صحن گفتگوها وجود دارد یا در نصی معتبر، به همین عنوان موضوع اثر واقع شده است؟
3. راه یا راه های حصول اطمینان مضبوط است یا رها است؟ جایگاه حساب احتمالات در این پیوند کجاست؟
 4. اطمینان، امارات و اصول عقلایی
 5. ...

در مجال حاضر، به قدر لازم، اشاراتی به این مباحث خواهیم داشت. طالبان می توانند به درس خارج اصول/ دور اول³ مراجعه کنند.

1. نک: پاورقی سابق.

2. ر.ک: خارج اصول دور اول، سال تحصیلی 1384 - 1385 ش، جلسه 100 و 110 (صص 1535-1546).

3. همان.

مفهوم شناسی اطمینان

اطمینان - به اقتضای ماده ای که دارد - به سکون و قرار تفسیر شده است (السکون بعد الانزعاج). در قرآن کریم، گاه به معنایی بالاتر از ایمان به کار رفته است.

- وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّ الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنَّ لِيُظَمِّئَنَّ قَلْبِي

شیخ انصاری - قده - در کلامی در پیوند با بحث امارات ظنی مفید اطمینان می فرماید:

«ثم المراد بالاطمینان فی هذا المقام هو الظن الی حیث یرجح صاحبه من التحیر و التردد و الاضطراب بحیث یكون الذهن معه مجبولا علی الركون و السكون الی الطرف المظنون و ان لم یکن بالغاً حد العلم العرفی الذی یرتفع بحیث یرتفع بالخیالات الوسواسیة و ان لم یرتفع بالمرّة حتی یرتفع بالمرّة العادی الذی لا یحتمل خلافه عادة و ان امکن عقلاً».⁴

مطابق این بیان، مراد از اطمینان علم و قطع نیست (هو الظن) ، مساوق با علم عرفی و عادی - که احتمال خلاف در آن عقلاً ممکن و عاداتاً نامیسر است - نیز نیست؛ بلکه پدیده ای است که صاحب آن، تحیر و اضطراب ندارد، برخوردار از سکون است. مطابق این بیان، سیر تحقق حالات چنین است :

↓ ↓ ظن غیر مزیل تحیر
↓ ↓ ظن مزیل تحیر (اطمینان)
↓ ↓ علم عرفی
↓ ↓ قطع عقلی و منطقی

نقد و بررسی

بدون تردید جستجو در کلمات فقیهان و غیر ایشان می رساند که واژه «اطمینان» واژه ای است مهار شده در استعمال نیست؛ هر چند کفی و سقفی دارد، کف آن: شروع از ظن خاص است؛ یعنی به هر ظنی اطمینان گفته نمی شود؛ هر چند در مورد اطمینان واژه «ظن» به کار می رود؛⁵ چنان که سقف آن به قطع و یقین منطقی و عقلی نمی رسد و از زیر آن شروع می شود. با این توضیح، موافقت کامل با کلام شیخ انصاری نامیسر است؛ زیرا ایشان پدیده علم عرفی را غیر از اطمینان دانست.

شنیدنی این که واژه اطمینان در مباحث فقهی، اصولی و حقوقی واژه تعلیمی است. و واژه های تعلیمی اقتضائات خود را دارد.

4 . الفوائد الاصولیة، ص 748.

5 . ر.ک: الفقه، ج 91، ص 119؛ جواهر الکلام، ج 43، ص 304.